

ماہنامہ می پسران آفتاب



نسخہ می مہر ماہ ۹۲

شعر، داستان، دانش، روزنامہ، روزنامہ، روزنامہ
ریاضیات، منہجی، طنز

در این زمانه

آدمها!...

حتی حوصله ندارند

به حرفهای سر زبانی یکدیگر گوش دهند...

چه برسد به اینکه بخواهند

سطر سطر روحِ تو را بخوانند...

در واژه نامه ی مجازی

حرف تازه ای ندارم...

فقط خزان در راه است...

کلاه بگذار سر خاطراتی که یخ زده اند ،

شاید یادت بیافتد جیب هایت را وقتی دست هایم مهمانشان بودند...

رد پای عطر پاییز را میگیرم

کوچه به کوچه

رویا به رویا

در انتهای کوچه باغ به جای خالیت میرسم...

چه سخت است حضور عطر تو میان برگ های پاییز زده!

پاییز منم که هر روز چهره ی زردم را

با سیلی دروغهایت

سرخ می کنم

تا هرگز نفهمی

آنکه بهار سبزم را

به خزان نشاند تو بودی

دل برای پاییز خودم تنگ شده

دل پاییزی خودم

کاش اشکی بود دل را میشست

این روزها آسمان دل آنقدر ابریست

که پاییز هم برای آمدنش استخاره میکند

باران غم پاییز است

باران نم اشک چشمه ی پاییز است

این سیل که میبینی روان است به هر سوی

اشک غم عشق دل دیوانه ی پاییز است

محبت هایت را شمردم!

درست بود اما این عشقت را پس بگیر ، گوشه ندارد

شاخه با ریشه خود حس غریبی دارد

باغ امسال چه پاییز عجیبی دارد

غنچه شوقی به شکوفا شدنش نیست

با خبر گشته که دنیا چه فریبی دارد. . .

شب ها چشمهای تو شفافترین برکه هاست
 به وقت خواب اما قامت من شاید آنقدر بلند
 از طرف من که توی چشمهای تو جا نمی شود
 وجدانت را ببوس باید برای عاشقی هایم
 اگر بیدار بود دریا می جستم
 عاشق آن لحظه ام که نه از تو و نه از تعلقات تو خبری نیست
 درد من چشمانی بود
 که به من اشک! هدیه میداد و به دیگران
 چشمک --

حالا که رفته ای
 حسابی که هوا را بی من نفس کشیدی
 سر دو راهی که رسیدی، به چپ برو
 به جهنم ختم می شود
 آدم نیمرو باشه ولی دورو نباشه
 چون شاخه گلی در لیوان
 زخم های تنم
 از تو آب می خورند
 آدامسمو با اون همه "شیک" بودنش بعد نیم ساعت زیر کفشم له
 میکنم
 تو که جای خود داری
 اگر غذا رو هم میشد دانلود کرد
 ما فوقِ فوقش یه املت رو میتونستیم دانلود
 کنیم، اونم بدون نون!
 سرعت نتمون به کوبیده نمی رسید
 اول دبستان : تو دیگه اومدی مدرسه نمیتونی هر غلطی میخوای بکنی
 ! دانشگاه : تو دیگه بچه مدرسه ای نیستی که هر غلطی میخوای بکنی
 ! سربازی : اینجا دیگه خونه ی خودت نیست که هر غلطی میخوای بکنی
 ! مجردی : تو دیگه بچه نیستی که هر غلطی میخوای بکنی
 ! متاهلی : تو دیگه مجرد نیستی که هر غلطی میخوای بکنی
 ! پیری : تو دیگه پات لب گوره نمیتونی هر غلطی میخوای بکنی
 ای بابا من که هیچ غلطی نتونستم بکنم
 بعضی دخترها هستن:
 دوس دارن بیشتر آرایش کنن ولی متاسفانه صورتشون
 تموم میشه

عاشق اولدوم کی یاریم دردیمه درمان ائلیه

یوخ که هر درده سالا. دیده نی گریان ائلیه

عاشق اولدوم کی تاپام بلکه غریبلیک داواسین

نه ییئیدیم اوزو درد دی. کی پریشان ائلیه

گوزلریم گونده قان آغلار نه یازمیش بومنه

کی منی یار گوزونه خار مغلان ائلیه

.....

اونکه میگفت جوش به جونت بسته است /

حالا داره به گریه هات میخنده / اونکه میگفت

بدون تو میمیره / دروغ میگه دلش جنس کویره /

دروغ میگه تو گوش نده به حرفاش /

نگو میخوای هنوز بمونی باهاش / خیال نکن

بدون اون میمیری / بذار بره نباشه چون میگیری

هزاران بار در حریق چشمانت سوختم ای ماندنی

ترین نگاه

هزاران بار در طوفان نیستیت گم شدم ای

ماندنی ترین هستی

هزاران بار در ساز شერთ رنگ شدم ای فربنده

ترین شعر

هزاران بار از جام باده ات مست شدم ای

لبریزترین مستی

.....

یوخی گلمور ، گوزومه او قدر آغلامیشام

ساقیا دولدور ایچیم ، گول هوسی ایله میشم

سونا چاتسین بو بهار من کی گولون گورمیشم!

ساقیا دولدور ایچیم یار هوسی ایله میشم

یارمنی یاد ایله میر، اونا من نیله میشم؟؟؟

بوی عطر توست که سالهاست با من آشناست...
 طرح چشمان توست که در نگاهم پیدا است...
 هر کس از گوشه کنار خاطراتم میگذرد...
 موزیانه میخندد و میگوید...
 این همان دیوانه ی همیشگی که باز اینجاست؟...

.....
 نه از قایق نه از قایق مینویسم ، نه از زخم شقایق
 مینویسم
 به یاد لحظه های با تو بودن ، به یاد آن دقایق
 مینویسم

عصری است غروب آسمان دلگیر است ،
 افسوس برای دل سپردن دیر است
 هر بار بهانه ای گرفتیم و گذشت ، عیب از من و
 توست ، عشق بی تفسیر است

.....
 ساقیا پی پیمانی کوندر بو گجه دغلامیشام.. یوخی
 گلگیر گوزمه... او قدر
 آغلامیشام.. ساقیا بو گجه یار هوسی
 ایلیمیشم.. یاریمی آلیلار الیمن آخی من
 نینمیشم ..

تو ان آغاز زیبایی منم این عشق بی پایان
 گرفتار اولموشام درده سن ایله مرهم ای جانان
 تو تصویر زیبایی منم نقاش این دوران
 منی سن ایلدین عاشق بو عشقی ایلمه پنهان
 تورفتی از دیار ما مرا کردی چنین ویران
 دعا ایله گوزل جانان منی اولدورمسین هجران

این شب‌های بارانی

غم انگیز است تن‌هایی

به امید نگاهی تلخ که می‌آیی

به احساس قسم یک شب

دل می‌میرد از حسرت و من آهسته می‌گویم :

تو هم دیگر نمی‌آیی.....

.....
پروانه‌ها را بگویند

دست از خودسوزی بردارند ؛

این روزها شمع‌ها هم اشک تمساح می‌ریزند

.....
هروقت گریه می‌کنم

سبک می‌شوم... عجب وزنی دارد چند قطره اشک!!...



کاش میشد در غروب آفتاب ، بی صدا با سایه‌ها کوچید
و رفت !.....

دلم و اش تنگ شده!

از وقتی که شماره شو به بلک لیست گوشتیم انتقال دادم چند ماهی میگذره ... شیش هفت تا اس داده بود که چند هفته بعد خوندمشون! اون موقع از دستش عاصی بودم چون واقعا اذیتم میکرد. یه شب با یه شماره دیگه اس داد برا همین نرفت تو بلک لیستم؛ نوشته بود که اگه میخوای دیگه اس ندم بهت یه چیزی بگو. بدون معطلی جواب دادم و همون چیزی رو که میخواست برایش فرستادم چون واقعا دیگه نمیخواستم اس ام اساشو ببینم. خلاصه از اون به بعد دیگه اس نداد؛ نمیدونم اصلا چی شد که اینطور شد. دیگه سراغمو نگرفت، اصلا انگار نه انگار که منم هستم! به هر حال اعتراف میکنم که خیلی دلم برای اس ام اس هاش تنگ شده. اگه الان اینارو میخونی ازت میخوام که یه شانس دیگه بهم بدی، قول میدم بچه ی خوبی بشم!

هم تو مسابقه ها شرکت کنم، هم آهنگ پیشواز داغ هفته رو انتخاب کنم و حتی با شارژ ۱۶۸۶۵۰ ریال، برنده ۱۰۰ تومن اعتبار هدیه داخل شبکه شم...

ایرانسل دوست دارم!

پیامک به همسر

شوهری یک پیامک به همسرش ارسال کرد:

سلام، من امشب دیر میام خونه؛ لطفا همه لباسهای کثیف من رو بشور و غذای مورد علاقه ام رو درست کن ... ولی پاسخی نیومد!

پیامک دیگری فرستاد:

راستی! یادم رفت بهت بگم که حقوقم اضافه شده و آخر ماه میخوام برات یه ماشین بخرم...

همسر: وای خدای من! واقعا؟

شوهر: نه، میخواستم مطمئن بشم که پیغام اولم به دست رسیده یا نه!!!

کلاس بدنسازی

مایکل، راننده اتوبوس شهری، مثل همیشه اول صبح اتوبوسش را روشن کرد و در مسیر همیشگی شروع به کار کرد. در چند ایستگاه اول همه چیز طبق معمول بود و تعدادی مسافر پیاده می شدند و چند نفر هم سوار می شدند. در ایستگاه بعدی، یک مرد با هیکل بزرگ، قیافه ای خشن و رفتاری عجیب سوار شد او در حالی که به مایکل زل زده بود گفت: «تام هیکل پولی نمی ده!» و رفت و نشست. مایکل که تقریباً ریز جثه بود و آدم ملایمی هم بود چیزی نگفت اما راضی هم نبود.

روز بعد هم دوباره همین اتفاق افتاد و مرد هیکلی سوار شد و با گفتن همان جمله، رفت و روی صندلی نشست. روز بعد و روز بعد... این اتفاق که به کابوسی برای مایکل تبدیل شده بود خیلی او را آزار می داد. بعد از مدتی مایکل دیگر نمی توانست این موضوع را تحمل کند و باید با او برخورد می کرد. اما چه طوری از پس آن هیکل بر می آمد؟ بنابراین در چند کلاس بدنسازی، کاراته و جودو و ... ثبت نام کرد.

در پایان تابستان، مایکل به اندازه کافی آماده شده بود و اعتماد به نفس لازم را هم پیدا کرده بود. بنابراین روز بعدی که مرد هیکلی سوار اتوبوس شد و گفت: «تام هیکل پولی نمی ده!» مایکل ایستاد، به او زل زد و فریاد زد: «برای چی؟» مرد هیکل با چهره ای متعجب و ترسان گفت: «تام هیکل کارت استفاده رایگان داره

درمان بواسیر با داروهای گیاهی



بواسیر (هموروئید)، بیماری دردناکی است که باعث التهاب و بزرگ شدن رگ های اطراف مقعد می شود. درمان های طبیعی برای بواسیر وجود دارد.

هاماملیس: به گزارش «هلت نیوز» از برگ ها، پوست درخت و ساقه های این گیاه برای تهیه دارو استفاده می شود. آب تقطیر شده این گیاه برای درمان بواسیر مفید است. برای استفاده، پنبه را به آب این گیاه آغشته کنید و به قسمت موثر بمالید.

سرکه سیب: این سرکه علاوه بر خاصیت انقباض، خاصیت ضد باکتریایی نیز دارد و استفاده از آن، به طور موقت درد و خارش مربوط به بواسیر را رفع می کند. روزی ۲ یا ۳ بار با پنبه آغشته به سرکه قسمت موثر را مرطوب کنید.

ژل آلوئه ورا: این گیاه ژل طبیعی است و استفاده از آن به تسکین درد کمک می کند.

شاه بلوط هندی: این میوه به طور موثر گردش خون بدن را بهبود می بخشد و ورم را کاهش می دهد. بواسیر نوعی واریس در قسمت مقعد به حساب می آید و با مصرف خوراکی این میوه، ورم کاهش پیدا می کند و علائم آن نیز کاهش می یابد.

سرگوم: این بوته همیشه سبز است که التهاب را درمان می کند. این گیاه علاوه بر کاهش ورم، دیواره رگ ها را تقویت می کند و در نتیجه درد را تسکین می دهد.

عصاره دانه انگور: عصاره دانه انگور برای بهبود بخشیدن به گردش خون و درمان واریس موثر است. تمامی قسمت های انگور به ویژه عصاره دانه انگور برای درمان بواسیر مفید است.



کرم ضد آفتاب رنگی مضر است؟

حداقل پوشش ضد آفتاب ها برای جلوگیری از پیری پوست و ایجاد لك و چروك ۲۵ یا ۳۰ است.

دکتر محمد گلشنی گفت: برخی از افراد ترجیح می دهند به دلیل وجود اسکار(جای زخم یا جوش) و لك در پوست صورت از کرم های ضدآفتاب رنگی استفاده کنند که مصرف این نوع کرم ها هیچ گونه آسیبی به پوست آن ها وارد نمی کند.

محمد گلشنی افزود افراد باید از کرم های ضد آفتابی استفاده کنند که پروانه تولید در داخل کشور را داشته باشد یا کرم های خارجی، پروانه واردات را اخذ کرده باشد. گلشنی عیار محافظتی (SPF) برای کرم های ضدآفتاب را بین ۲۵ تا ۳۰ دانست و افزود: حداقل پوشش ضد آفتاب ها برای جلوگیری از پیری پوست، ایجاد لك و چروك ۲۵ یا ۳۰ است و بالاتر از این عیار حفاظتی یعنی بین ۳۰ تا ۱۰۰ فرقی با عیار های ۲۵ تا ۳۰ ندارد. وی اضافه کرد: برخی از تبلیغات مبنی بر اینکه ضد آفتاب های دارای عیار حفاظتی بالاتر از ۳۰ در محافظت از پوست موثر است، تبلیغات کارخانه ای است و از نظر علمی و پزشکی تفاوتی بین این عیارها برای جذب اشعه خورشید وجود ندارد.

قبل از هرچیز باید با خودتان شفاف باشید و در مورد این موضوع به نتیجه‌ای روشن برسید که فکر کردن در مورد گذشته و مرور تجربه‌های تلخ برای‌تان آزاردهنده است و مثل يك سم کشنده در دراز مدت شما را از پا خواهد انداخت.

با جرات می‌شود گفت در همه جای دنیا کسی وجود ندارد که تا به حال اتفاق و خاطره‌ای بد را تجربه نکرده باشد. همه ما تجربه‌های ناخوشایندی داشته‌ایم که در گوشه‌ای از ذهن ما ثبت شده و هر ازگاهی مرور آن برای‌مان عذاب آور است. عده‌ای آن را به سرنوشت نسبت می‌دهند و عده‌ای همه اتفاقات را بازتاب رفتار خود انسان‌ها می‌دانند اما چیزی که مهم است نحوه نگرش و برخورد ما با خاطره‌های تلخ است. یادآوری و تفکر در مورد خاطرات ناگوار گاهی تا آنجا پیش می‌رود که انرژی و توانایی ادامه زندگی را از انسان سلب می‌کند و اینجاست که بالاخره همه مان با این سوال روبه‌رو می‌شویم که با این خاطرات تلخ چه باید کرد؟ اما ما راه رویارویی با خاطرات ناخوشایندتان را برای‌تان می‌گوییم.

با خودت روراست باش

قبل از هرچیز باید با خودتان شفاف باشید و در مورد این موضوع به نتیجه‌ای روشن برسید که فکر کردن در مورد گذشته و مرور تجربه‌های تلخ برای‌تان آزاردهنده است و مثل يك سم کشنده در دراز مدت شما را از پا خواهد انداخت. باید از این وضعیت خسته شوید، خسته از غصه خوردن و فکر کردن و مرور تجربه‌های گذشته، خسته از احساس افسردگی و حسرت در مورد گذشته و بعد از این خستگی سودمند و به موقع، باید همه توانت را برای مقابله با این حس يك جا جمع کنی. تنها به این فکر کن که همین الان درست همین الان دیگر نمی‌خواهی حسرت گذشته را بخوری و از داشتن حس افسردگی و ناراحتی به اندازه کافی خسته شده‌ای.

يك راهكار عملی و موثر

يك مكان دنج و راحتی را در نظر بگيريد و آنجا بنشينيد. چشم‌های تان را ببنديد و چند نفس عميق بكشيد. به تاريکی پشت پلک تان توجه كنيد و سعی كنيد فضای تاريك را در مقیاسی بزرگ تر تصور كنيد آنقدر كه سیاهی همه اطراف شما را احاطه كند. حالا يك تلویزیون را تصور كنيد كه در مقابلتان قرار گرفته است و حتی الامكان اين تلویزیون را قدیمی در نظرتان تجسم كنيد چون شما در حال بازسازی اتفاقات گذشته تان هستيد. بعد از اين كار حادثه ای كه باعث دلخوری شما شده است را در صفحه تلویزیون خلق كنيد و با دقت به آن نگاه كنيد. شخصیت‌هایی كه هنگام به وجود آمدن آن حادثه تلخ وجود داشته اند را با جزئیات تصویرسازی كنيد. صداها، رنگ‌ها و حتی بویی كه در آن لحظه حس كرده ايد را از قلم نيندازيد. بعد از اين كار نوبت شماست.

فراموش كردن

سعی كنيد با دكمه ای كه روی بدنه تلویزیون است (يادتان باشد كه تلویزیون شما از نوع قدیمی است و كنترل ندارد) صداها را كم و زياد كنيد. صداهایی كه باعث رنجش تان شده را كم و آن‌هایی كه حس خوبی به شما می دهد را زياد كنيد. می توانید رنگ صورت يا لباس شخصیت‌هایی كه در اين فيلم سينمایی خود ساخته، باعث آزارتان شده است را كم رنگ تصویرسازی كنيد. به تدریج شخصیت‌ها را حذف كنيد و حتی می توانید نوع جملات آن‌ها را با سلیقه خود تغيير دهيد. بعد از اين كه تصاویر كم رنگ و كم رنگ تر شد دست تان را روی دكمه خاموش تلویزیون بگذاريد و تمام صحنه مربوط به آن تجربه تلخ را برای همیشه محو كنيد. انجام اين تمرین را اگر برای چند بار انجام دهيد، می تواند كمك زیادی به فراموشی اتفاق تلخ گذشته تان كند.

تغییر خاطرات آن‌طور که دوست دارید

وقتی از يك خاطره تلخ صحبت می‌کنید و سعی دارید آن را با کسی به اشتراك بگذارید تقریباً همه آدم‌ها يك جواب مشترکی را به شما می‌دهند و آن این جمله است «از خاطره بد بگذر و فراموشش کن» اما در دنیای واقعیت وقتی صحبت از عمل وسط می‌آید اینکار کمی مشکل به نظر می‌رسد. فراموش کردن اتفاق تلخ کار خیلی سختی است اما حداقل می‌توانید نوع احساسی که نسبت به آن تجربه بد را دارید تغییر بدهید. وقتی خاطره‌ای تلخ را مرور می‌کنید قبل از هرچیز به این فکر کن که این اتفاق می‌تواند جنبه مثبتی هم برای شما داشته باشد. به دنبال آن جنبه مثبت و خوب، تجربه ناخوشایند هم داشته باش تا حسی جدید را جایگزین حس آزاردهنده سابقت کنی.

خودت را از قلم نینداز

هنگام مرور و تصویرسازی يك حادثه تلخ، آیا خودت را در تصاویری که دوباره بازسازی کرده‌ای می‌بینی یا خیر؟ اگر خودت را در صحنه نمی‌بینی این نشان می‌دهد که شما هنوز غرق در احساسات باقی مانده از خاطرات گذشته‌ات هستی. اما وقتی در تصویرسازی تجربه‌های تلخ گذشته‌ات خودت را هم تجسم می‌کنی این نشانه خوبی است چون شما به عنوان يك تماشاچی به آن اتفاق نگاه می‌کنید و خودتان را جدا کرده‌اید و آن صحنه تلخ را در زمان حال و جایی که هم‌اکنون هستی نگاه می‌کنی. یادت باشد گذشته تنها يك خاطره است و این ما هستیم که آن‌ها را زنده می‌کنیم. در این تصویرسازی و احیای دوباره زمان حال را از دست نده.

افراط و تفریط در انتخاب همسر

دو گروه در انتخاب همسر، دچار افراط و تفریط می شوند، اولین گروه کسانی هستند که می خواهند با فرشته ها ازدواج کنند. گروه دوم کسانی هستند که فکر می کنند آدم ها مثل خمیر بازی هستند و هر طور که بخواهند می توانند آنها بار بیاورند.

گروه اول می خواهند همه ی کمبودها و محرومیت های خود را با ازدواج با یک فرشته از بین ببرند و گروه دوم می خواهند هنر انسان سازی را خود را به نمایش بگذارند. در مواردی پیش آمده که انسان بد اخلاق با فرد خوش اخلاق ازدواج کرده در این راستا باید به نکاتی چند توجه کرد:

۱- ما این گونه وصلت را تعبیر به ازدواج نمی کنیم بلکه تعبیر به ایثار می کنیم.

۲- مسأله ی ازدواج با دلسوزی متفاوت است، ازدواج حساب یک عمر است.

۳- همان قدر که احتمال می دهیم هنگام رودرویی دو فرد با صفات مثبت و منفی، گرایش از منفی به مثبت باشد، همان قدر هم باید احتمال بدهیم که گرایش از مثبت به منفی باشد.

۴- به کسانی که می خواهند ایثار یا ریسک کنند، توصیه می کنیم که حد تحمل خود را در نظر بگیرید.

در ازدواج چیزی که بیش از همه اهمیت دارد تناسب و هماهنگی و کفویت است. نه فداکاری و قربانی کردن خود یا به دوش کشیدن بار دیگری.

اصل کفویت

آیا کسی که تحصیلات دانشگاهی مثلاً در مقطع لیسانس را تجربه کرده و افکار و عقایدش منطبق با محیط و فضای خاص تحقیقاتی دانشگاهی شکل گرفته با فردی که مثلاً در مقطع ابتدایی است یکسان است؟ پس اصل کفو بودن یکی از عوامل موثر در رسیدن به زندگی متعادل و منطقی است.

طرز فکر یکسان

طرز فکر و اندیشه های افراد از نوع فرهنگ، سطح تحصیلات، و سن آنان تأثیر می پذیرد مشابه بودن در نوع تفکر هم سطح بودن و یکسانی در نوع جهان بینی فهم و ادراک به مسائل مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی است.

عوامل فرهنگی

فرهنگ دارای ابعاد متفاوتی است که ریشه در افکار انسان داشته و با رسوخ در تمام جوانب حیات، به زندگی جهت می بخشد. نحوه ی معاشرت، برخوردها، تربیت فرزندان، دیدگاه نسبت به جنسیت افراد و متأثر از فرهنگ حاکم بر زیستگاه و ذهنیات ماست. تشابه یا تضاد فرهنگی، در معاشرت ها و رفت و آمدهای خانوادگی طرفین دخیل بوده و مستقیماً در زندگی زوج جوان اثر خواهد گذاشت.

مسائل دینی- مذهبی

بهتر است که دختر و پسر از نظر اعتقادات دینی و مذهبی با یکدیگر تشابه داشته باشند، نه تنها نوع مذهب، بلکه شدت پایبندی به این باورها هم عامل مهمی است. دختر و پسری که از نظر اعتقادات دینی تناسب نداشته باشند در زمینه های گوناگون اختلاف نظر و احتمالاً ناسازگاری خواهند داشت از جمله زمینه های مورد بحث موارد زیر را می توان نام برد: اختلاف در تربیت فرزندان - اختلاف در مسافرت ها و گردش - لباس پوشیدن (به ویژه حجاب برای زنان).

صورت را دیدید سیرت را دقیق تر ببینید

الگوی شخصیت افراد در نحوه لباس پوشیدن، آرایش موها، شیوه ی سخن گفتن، ترکیب چهره و نوع کار های که به آن مشغول اند نهفته و مستتر است. انسان هر کاری که انجام می دهد نوع شخصیت و وی روی آن حک شده می شود.

پيامبر اکرم (ص) چگونه وضو ميگرفتند؟



شيخ کليني از زرارہ نقل مي کند که امام باقر (ع) فرمود: «آيا براي شما کيفيت وضوي پيامبر (ص) را نقل نمايم؟ عرض کرديم: آري، حضرت دستور داد که قذحي از آب حاضر کنند و آن را جلو روي خود گذارد، سپس آستين هاي خود را تا آرنج بالا زد و کف دست راست خود را در آب وضو فرو برد و فرمود: در صورتي که دست پاک باشد بايد چنين کرد.

سپس مشت خود را پر از آب کرد و بر پيشاني خود ريخت و فرمود: «بسم الله» و آب را بر محاسن خود جاري ساخت و دست خود را بر صورت و پيشاني خود کشيد. سپس دست چپ خود را پر از آب کرد و بر روي آرنج دست راست خود ريخت و آن را بر ساق دست خود کشيد، آن گاه آب تا سر انگشتانش جاري شد.

سپس دست راست خود را پر از آب کرد و بر آرنج دست چپ ريخت و بر ساق دست چپ خود کشيد و آب را بر اطراف انگشتانش جاري ساخت و بعد جلو سر خود و روي پاهاي خود را با تري باقيمانده در دست راست و دست چپ خود مسح کشيد.

زراره مي گويد: امام باقر (ع) فرمود: شخصي از اميرمؤمنان (ع) درباره وضو پيامبر (ص) سؤال کرد. حضرت درست اين جريان را براي او نقل فرمود. [۱]

واسه ماشین پسر خالم میخواستیم بریم ضبط بخریم من بهش گفتم
اگه بتونیم از این ضبطایی که از رو ماشینا میدزدن پیدا کنیم خیلی
ارزونتتر در میاد. حالا رفتیم تو مغازه پسر خالم برگشته به فروشنده
میگه: داداش ضبط دزدی تمیز چی داری؟! هیچی دیگه کلی به یارو
توضیح دادم که این طفلی عقب موندست و منظوری نداشته
امروز به داداشم میگم: کلاغه برام خبر آورده که.....

سیگار میکشی ...

داداشم میگه: تو چی می زنی که می تونی با
پرنده ها صحبت کنی؟

.....

یکی از کارایی که دوست دارم بکنم اینه که تو عروسی اقوام یهو
داد بزنم:

"به افتخار دوس دختر ای داماد!"

.....

اصن لذتی که تو برداشتن متمادی دستمال کاغذی از تو ساندویچی هست
تو خوردن یه بندری دونونه مجانی نیست...

.....

خوشم میاد تو تقویممون از روز جهانی بیابان زدایی گرفته تا روز
جهانی توالد داریم، ولی روز پسر نداریم؛ یعنی آدم امید به زندگی
در درونش فوران میکنه

باغ وحش مملو از جمعیت بود، از بلندگوی
باغ وحش این
جمله شنیده شد:

"بازدیدکنندگان گرامی از دادن هر گونه غذا
و خوراکی به
حیوانات خودداری فرمایید."

بعد از مدتی مجددن از بلند گو اعلام شد:
"بازدیدکننده گرامی از شما خواهش کردیم
که از تغذیه

حیوانات خودداری فرمایید!"

این هشدارها با لحن های مختلف چندین بار
تکرار شد. آخرین
هشدار بلندگو این بود:

"حیوانات عزیز خواهشمندیم از آدمها غذا
نگیرید!"

جغرافیای خانم ها و آقایان

در سن ۴۰ تا ۵۰ سالگی، مثل یوگسلاوی یا عراق هستند:

جنگ را باخته اند. هنوز گرفتار اشتباهات پیشین اند. و به باز سازی کامل نیاز دارند .

بین ۵۰ تا ۶۰ سالگی، مانند روسیه یا کانادا هستند: بسیار پهنور، آرام و مرز ها بدون مرزبان، اما سرمای زیاد، خلاق را از آنان می رماند.

در سن ۶۰ تا ۷۰ سالگی، مانند انگلستان یا مغولستان اند: با يك گذشته ی درخشان و بدون آینده .

بعد از ۷۰ سالگی، شبیه آلبانی یا افغانستان اند: همگان میدانند که در کجایند، اما هیچکس به سراغ شان نمی رود.

جغرافیای خانم ها

خانم ها در سن ۱۸ تا ۲۱ سالگی ، مانند آفریقا یا استرالیا هستند نیمه کشف شده، وحشی، با زیبایی های افسون کننده ی طبیعی

در سن ۲۱ تا ۳۰ سالگی، مثل امریکا یا ژاپن هستند: کاملا کشف شده، بسیار توسعه یافته، آماده برای معامله، مخصوصا معامله با پول نقد یا اتومبیل .

در سن ۳۰ تا ۳۵ سالگی، مانند هند یا اسپانیا هستند: بسیار داغ، آسوده خاطر و آرام، و آگاه به زیبایی های خود.

بین سن ۳۵ تا ۴۰ سالگی، مانند فرانسه یا آرژانتین هستند: بدین معنا که اگر چه ممکن است در جریان جنگ نیمه ویران شده باشند، اما هنوز جاهای بسیاری برای تماشا دارند .

جغرافیای آقایان

از ۱۸ تا ۵۰ سال مثل ایران :

راهنما و حلال مشکلات دنیا ولی در کار خود مانده .

بعد از ۵۰ سالگی، شبیه عربستان هستند: همگان فقط به خاطر مال و ثروت به آنها احترام می گذارند

مدل مانتوهای سنتی



این جمعه هم گذشت، تو اما نیامدی پایانِ سبز قصه دنیا،
نیامدی
مانده ست دل اسیر هزاران سؤال تلخ ای پاسخ هر آنچه معما،
نیامدی
کز کرده اند پنجره ها در غبار خویش ای آفتاب روشنِ فردا،
نیامدی
افسرده دل به دامن تفتیده کویر ای روح آسمانی دریا، نیامدی
ای حسّ پاکِ گم شده روح روزگار زیباترین بهانه دنیا نیامدی
ای از تبار آینه ها، ای حضورسبز ای آخرین ذخیره طاها نیامدی
این جمعه هم گذشت و غزل ناتمام ماند این است قسمتِ دلِ
من، تا نیامدی

انتظارت انتظار غیرت است
انتظارت انتظار حرمت است
انتظار شیعه باور کردن است
فکر استقبال دلبر کردن است
انتظار شیعه یعنی که نفس
یک شرف گستر هوای بی هوس
انتظار شیعه یعنی صبر و جهد
صبر در تلخی تلاش از بهر شهد
انتظار شیعه یعنی اقتدار
انتظار شیعه یعنی ذوالفقار
انتظار شیعه یعنی وصل دوست
بهر مرزی رد شدن از مرز پوست
انتظار شیعه امید نجات
انتظار شیعه یعنی که حیات
انتظار شیعه یعنی داشتن
از لیاقت خویش را انباشتن

مرا با عشق خود درگیر کردی / به پایم با غمت زنجیر
کردی
بدان دنیای بی تو هیچ باشد / دلم را از زمانه سیر کردی
تو با رفتن به پشت ابر ایام / غروب جمعه را دلگیر
کردی
یا اباصالح ادرکنی

حرف آخر

باسلام خدمت دوستان عزیزم. من سیدجواد هستم نویسنده ی ماهنامه ی پسران افتاب. با نسخه ی مهرماه در خدمت شما عزیزان هستم. نسخه ی شهریورمون به صورت آزمایشی منتشر شده بود. در این نسخه سعی کردیم مقداری از اشکالات نسخه ی قبلی رو رفع کنیم. ولی به نظر من حدود ۱۰ درصد ایرادات رفع شده و من اون چیزی رو که در نظر داشتم نشده. و این ایرادات فقط با نظرات و پیشنهادات و انتقادات شما دوستان عزیزم رفع خواهد شد. همچنانکه در نسخه ی موبایل نظراتتون رو برام میفرستادین در این نسخه هم منتظر راهنمایی های شما عزیزانم هستم. همچنین اگر مطلبی عکسی داشتین و دوست داشتین توماهنامه درج بشه برام بفرستین تا به اسم خودتون منتشر بشه. دوستان ماهنامه ی پسران افتاب یه کتاب خودمونی هستش و از تشریفات و... به دور هستش و این ماهنامه رو فقط برای ارتباط صمیمی با کاربران مینویسیم. پس اگر دوستان سوالی در زمینه ی کامپیوتر، زندگی مشترک، دوستی، ازدواج و... داشتن پرسند در حدی که بتونم جواب میدم. همچنین اگر حرف دلی داشتین و یا اگر دلتون گرفته بود خواستین درد و دل کنید اگر منو قابل دوستید من در خدمت دوستان عزیزم هستم. منتظر پیامک ها ایمیل ها و نظرات و انتقادات و پیشنهاداتتون هستم.

برای دانلود نسخه ی موبایل پسران افتاب و ماهنامه ی دومان و همچنین دیگر کتابهامون به سایتمون سرزنید.

وب سایت: www.sunboys.ir

www.googooli.ir

ایمیل: sunboys.online@yahoo.com

شماره جهت ارسال پیامک: ۰۹۱۴۹۹۶۷۰۹۰

سیدجواد مرتضایی ارزیل